

حدیث در گام دوم

مدیر مسؤول

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدّ ظلّه العالی)، در چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی بیانیه‌ای صادر کردند که به «بیانیه گام دوم» معروف شد. این متن را می‌توان الهام‌بخش پیشرفت برای همه عرصه‌های کشور دانست. گستره فعالیت‌های حدیثی هم با الهام گرفتن از این بیانیه، می‌تواند مسیر آینده خود را بازسازی کرده و استوار سازد. نگاشته حاضر با الهام از «بیانیه گام دوم» چهل سال تلاش حدیثی را گام نخست تلقی کرده و گزارشی گذرا اما روشن از آن ارائه می‌کند. سپس، آینده را گام دوم دانسته و پیشنهادهایی برای رشد فعالیت‌های حدیثی، عرضه نموده است.

جهاد، کاری سخت است که کمتر کسی به سراغش می‌رود؛ اما نیازی ضروری است و عده‌ای آن را با قصد قربت انجام می‌دهند. این عده، همان مجاهدانند. جریان حدیث شیعه از آغاز شکل‌گیری تاکنون فعال بوده و مجاهدانی بزرگ را به خود دیده است. هرچند گاهی این رودخانه گسترده و پرعمق به باریکه‌ای از آب تبدیل گشته؛ ولی هیچ‌گاه از حرکت نایستاده و منفعل نشده است.

حدیث شیعه به مرزهای جغرافیایی محدود نشد؛ بلکه رشد انسان را در پهنه گیتی، وجهه همّت خویش ساخت. این یکی از رمزهای ماندگاری دانش حدیث است؛ موجودی پویا که با وجود گرفتاری‌های بسیار، استوار مانده، از جایی به جای دیگر منتقل شده و حیات فعال خود را در مدینه یا عراق و ایران و یا هند حفظ کرده و در نهایت به جایی که بیشترین خدمت را به او کرده، یعنی ایران، بازگشته است؛ جایی که اکنون پایگاه انتشار پیام او به سراسر جهان است.

در درازه تاریخ، موانع بسیاری بر سر راه حدیث شیعه وجود داشته است. از نفهمیدن و اعتقادداشتن به راه‌گشایی سیره اهل بیت علیهم‌السلام تا مخالفت و تلاش برای نابودی آثار ایشان. حدیث از همه این موانع عبور کرده، گردنه‌های خطرناکی را از سر گذرانده و اکنون راه حفظ خود را در برابر انواع

تهدیدها می‌داند. این جریان بزرگ، اکنون تفاوت هجمه و نقد را می‌شناسد و نه تنها از نقدها، بلکه از هجمه‌ها نیز برای ارتقای خویش بهره می‌گیرد.

شاید بتوان ریشه قوت‌های این موجود بابرکت را در مقومات ماهیت آن دانست. حدیث شیعه چند شعار را جلوه ماهیت خویش کرده و اکنون نیز بر آن استوار است: پیوستگی با اهل بیت علیهم‌السلام، پیوستگی با عقل، خودباوری کیفی و محتوایی، خودباوری کمی و گستره‌ای، توجه به نیازها، بهره‌گیری از گذشته و نگاه به آینده.

حدیث شیعه پس از انقلاب اسلامی، حرکتی انقلابی کرد؛ اما انقلاب نکرد. رشد محسوس دانش حدیث پس از انقلاب اسلامی، همان حرکت انقلابی این دانش و اهالی آن بود؛ اما انقلاب در ارتقای این دانش نیز شدنی، بلکه بایسته است.

برای انقلاب در ارتقای دانش حدیث، باید گذشته آن را به‌درستی شناخت. تجربه گذشته، چراغ راه آینده است. بدون بهره‌گیری از این تجربه، باید دوباره تجربه کرد که شدنی نیست و نمی‌توان در عمر محدود، تجربه سده‌ها را تکرار کرد. از سوی دیگر نمی‌توان بدون تجربه و سنجش، به این مسیر پر پیچ و خم و دربردارنده انواع خطرها، گام نهاد؛ موج‌ها بلند است و گرداب‌ها در راه. از این رو پای‌بندی به مقوم عقلی ماهیت دانش حدیث، حکم می‌کند که گذشته را در نظر داشته باشیم، نیاز روز را ببینیم و آینده را بسازیم.

انقلاب اسلامی ایران، حاکمیت را از عنصری مخالف با سیره اهل بیت علیهم‌السلام، یا بی‌تفاوت و یا دارای نگاه‌های منفعت‌طلبانه به آن، به حاکمیتی معتقد به سیره و سخن اهل بیت علیهم‌السلام، پشتیبان کشف و انتشار آن و معتقد به مقابله عاقلانه با سیره‌ها و سبک‌های خلاف آن تبدیل کرد.

روزگاری وقتی سخن از حدیث اسلامی به میان می‌آمد همه فکرها به سوی حدیث اهل سنت می‌رفت و ساز و کارهای آن در ذهن متجلی می‌شد. پس از انقلاب اسلامی، حدیث شیعه در عین احترام به تلاش‌های برادران خود و در عین دفاع از آن در برابر هجمه دشمنان مشترک که در ظاهری علمی برای زدن اصل و ریشه به میدان آمده بودند، توانست ماهیت مستقل خود را معرفی کند. مطالعات بسیاری به این سو راه یافت و تاحدودی ساز و کارهای شیعی حدیث به جهان علم شناسانده شد. اکنون دیگر کسی نمی‌تواند ماهیت مستقل حدیث شیعی را انکار کرده و یا درصدد نادیده گرفتن آن باشد.

انقلاب اسلامی برای اهالی علم، فراغتی ایجاد کرد تا دامنه تلاش علمی خود را گسترده و عمق آن را فزونی بخشند. اهالی دانش حدیث از انزوا خارج شده و زمینه‌های اجتماعی بسیار یافتند. ساختارهای کشور به گونه‌ای طراحی شد که بدون توجه به قرآن و حدیث، مشروعیت و قانونی بودن بسیاری از فعالیت‌ها خدشه‌دار می‌شود. شورای نگهبان، شورای عالی انقلاب فرهنگی و ده‌ها نهاد کوچک و بزرگ و زیرمجموعه و مستقل دیگر، همگی موظف شدند که به گونه‌ای با قرآن و سنت سر و کار داشته باشند و مقررات و روندها را بر پایه آن بچینند و اجرا کنند. عمل کردن و نکردن این نهادها و میزان آن، خود، امر دیگری است؛ ولی این مهم که ساختارها نیازمند قرآن و سنت تعریف شوند، امری بدیع بود.

امنیت فکری و روانی عالمان دینی به گونه‌ای که بتوانند بدون دغدغه نسبت به تهدیدهای حکومت و تحقیرهای اجتماعی و حتی در بسیاری از مواقع با پشتوانه مالی حکومت به تلاش قرآنی و حدیثی بپردازند، اگر از نوآوری‌های انقلاب اسلامی نباشد، قطعاً از نوپردازی‌های پیش‌برنده آن است. موافقت حکومت با مراجعه مردم به عالمان دینی و حتی ارجاع مردم به حوزه‌های علمیه، امری مبارک است که نمی‌توان آثار آن را در افزایش کمی و رشد کیفی حوزه‌های علمیه و عالمان، نادیده گرفت.

انقلاب اسلامی به فراگیران علوم دینی، احساس عزت و توانایی داد و شعار درست و بنیادین «ما می‌توانیم» را در دل عده بسیاری زنده کرد. همین شد که حوزه‌های علوم دینی در عرصه‌های مختلف قرآن و حدیث، ادبیات و منطق، فقه و اصول و کلام و اخلاق در قالب‌های مختلف حوزوی و دانشگاهی با انبوه مشتاقان فراگیری مواجه شد.

حمایت‌های مردمی از فعالیت‌های قرآنی و حدیثی، رشد چشمگیری کرد و این نبود مگر به برکت بازکردن راه توسط جمهوری اسلامی و سوق دادن مستقیم و غیر مستقیم مردم توسط حاکمیت به سوی این صدقات جاریه و باقیه.

گرایش مردم به سمت قرآن و حدیث رشد عجیبی یافت و نمایانگر درستی «فَإِنَّ النَّاسَ لَوَ عَٰلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَّبَعُونَا»^۱ شد. این رویکرد به اندازه‌ای بود که حتی صاحبان بسیاری از مشاغل و فناوری‌ها و متخصصان رشته‌های مختلف، درصدد برآمدند تا از سخن قرآن و اهل بیت

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۵.

دربارهٔ حرفه، تخصص و دانش خویش آگاهی یابد و حوزه‌های علمیه با انبوهی از درخواست‌های این‌چنینی مواجه شد.

جالب این‌جاست که نه‌گرایش به سمت حوزه‌های دینی محدود به قم و شهرهای مقدّس ماند و نه حمایت‌های مردمی از علوم دینی به این قبیل شهرها محدود شد و تازه، درخواست‌های بسیار برای دست‌یابی به آیات و روایات متناسب با نیازهای عمومی و تخصصی از ساکنان دیگر شهرها به قم رسید. از سوی دیگر خدمات علوم دینی نیز تا حدودی در سراسر کشور گسترده شده و حوزه‌های علمیه و مراکز قرآنی و حدیثی و رشته‌های مرتبط در دورافتاده‌ترین شهرهای کشور ایجاد شد.

مجالس قرآنی و حدیثی در سراسر کشور مانند مجالس تلاوت قرآن، تفسیر قرآن، شرح حدیث، حدیث‌خوانی، قرائت دعا‌های مأثور اهل بیت علیهم‌السلام مانند دعا‌های ماه رجب و شعبان و رمضان و به‌طور خاص، دعا‌های نیمهٔ رجب، دعای ابوحمزه، دعای افتتاح، دعای سحر، دعای وداع ماه رمضان، دعای عرفه، دعای توسل، دعای کمیل، دعای ندبه و قرائت زیارت‌های معصومان علیهم‌السلام به‌ویژه زیارت جامعه، زیارت اربعین، زیارت عاشورا، صلوات شعبانیه و زیارت امام رضا علیه‌السلام، همه پس از انقلاب اسلامی، گسترشی این‌چنین در میان مردم یافته و رویکرد فراگیر به نهج البلاغه و صحیفهٔ سجّادیه نیز در همین دوران نورانی بوده است.

قرآن و حدیث از پستوی حجره‌ها و ورق کتاب‌ها به عرصهٔ اجتماع آمد و «قَاتَلَهُمُ اللَّهُ»^۲ قرآن به مرگ بر استکبار و تلاش برای نابودی لجاجت شیطانی و در واقع، به فرهنگ سیاسی مردم تبدیل شد. «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرٌ وَنَصَابِرٌ وَنَاصِرُونَ يَغْلِبُوا الْمُتَّيِّبِينَ»^۳ به فرهنگ پایداری در برابر زورگویی دشمنان بدل شد و نهج البلاغه، متن مطالبه‌گری قشر طلبه و دانشجو گشت. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۴ قاعدهٔ سیاست خارجی انقلاب اسلامی قرار گرفت و «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»^۵ به شعار بنیادین آزادی انسان در کنار «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ...»^۶ به‌عنوان

۲. التّوبة، ۳۰.

۳. الانفال، ۶۵.

۴. النّساء، ۱۴۱.

۵. نهج البلاغه، نامهٔ ۳۱.

۶. البقرة، ۲۵۶.

نماد مسؤولیت بصیرانه او تبدیل شد. صدها آیه و حدیث دیگر نیز در حال تبدیل به فرهنگ گفتاری و رفتاری و مطالبه‌گری مردم است.

امروز مرزهای دانش قرآن و حدیث از چاپ قرآن کریم و تلاش برای گردآوری حدیث به فرهنگ‌سازی بر پایه قرآن و حدیث، کشف قواعد زندگی در عرصه‌های مختلف و استوار کردن قوانین موجود بر مبنای آیات و احادیث، گسترش یافته است.

پیشرفت‌های دانش حدیث پس از انقلاب اسلامی بسی بیشتر از این است و از عرصه تولید نظریه تا جامع‌نگاری و نشر حدیث و تأسیس رشته‌ها و مراکز علمی مستقل و تربیت دانش‌آموختگان توانمند و اساتید فعال، همه را شامل می‌شود که پیشتر در سرمقاله شماره سوم به آن اشاره شد.

اکنون دانش قرآن و حدیث شیعی با ماهیتی مستقل و شناخته‌شده، بهره‌مند از زیرساخت‌های علمی مستحکم، بدنه اجتماعی حامی، کارشناسان توانمند، امکانات علمی بسیار مانند کتابخانه‌ها و نرم افزارها و مؤسسه‌ها و مشتاقان فراگیری فراوان که تضمین ادامه این رودخانه جاری و پربرکت هستند در پیش چشم ماست.

خودکم‌بینی و خودبزرگ‌بینی هر دو زیان‌بار است. «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً عَرَفَ قَدْرَهُ»^۷ درست آن است که ریشه‌ها، امکانات و توانایی‌ها دیده شده و ضعف‌ها، نقص‌ها و نیازها هم مورد توجه قرار گرفته و از توانایی‌ها برای رفع ضعف‌ها بهره‌برداری گردد. نمی‌توان فرصت‌های بزرگی را که با سوء مدیریت از دست رفت، نادیده گرفت. مؤسسات و مراکز بزرگ و اثرگذاری که قدر خود را ندانستند و بسیاری از زمینه‌های خویش را از دست دادند، تابلو عبرت دیگرانند. از سوی دیگر این همه رشد انسانی و امکاناتی را نمی‌توان نادیده گرفت و دست روی دست گذاشت. بلکه باید دست بر زانو نهاد و ایستاد و به راه افتاد و از شکست، نهراسید و به تجربه‌ها توجه کرد و در همه این‌ها بر خدا توکل نمود. اکنون زمان بهره‌گیری از تجربه‌های گذشته و ظرفیت‌های کنونی است. اکنون می‌توان با ترکیب سرعت، جامع‌نگری و تخصص، گام‌های بلندتری برداشت.

برای تلاش علمی جهت انقلاب در ارتقای نظری و عملی دانش قرآن و حدیث باید بر روی میلیون‌ها دانش‌آموخته رشته‌های دینی حساب کرد. ظرفیت عظیم این‌ها تاکنون ساماندهی و سازماندهی نشده و در یک بزرگراه عظیم به کارگیری نشده است. بسیاری از این‌ها آمادگی فعالیت

۷. عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۶۱.

جهادی را دارند و حاضرند بدون توقّف، بخشی از وقت و عمر خود را صرف خدمت به قرآن و حدیث کنند.

خودباختگی علمی یکی از اشکالات اصلی ما در برخی از زمینه‌های قرآنی و حدیثی است. با وجود پیشرفت‌های بسیار و صاحب‌نظران توانمند، هنوز استاندارد نگاشته‌های قرآنی و حدیثی در ورای مرزها و آن هم در بلاد کفر بلکه از سوی دشمن‌ترین دشمنانمان در قالب‌های به‌ظاهر زیبایی چون «آی. اس. آی.» تعیین می‌شود. استانداردهایی که نه بومی است و نه پاسخ‌گوی نیازهای امروز ما. هنوز روند ارتقای اساتید بر اساس روال رایج در اروپا و آمریکاست و مقررات داخلی، ترجمه‌مانندی از آیین‌نامه‌های خارجی است. هنوز مدل برگزاری همایش‌های علمی‌مان را از غربی‌ها می‌گیریم و ده‌ها هنوز دیگر. ما قائل به بهره‌گیری از دستاوردهای علمی دیگران هستیم و داشته‌های آنان را محترم می‌شماریم؛ اما خودباختگی و تسلیم علمی، غیر از استفاده علمی است. حتی نظام «آی. اس. سی» هم که گویا داخلی است، کاملاً مشابه مدل آمریکایی بوده و فاقد ابتکاری کاربردی متناسب با فرهنگ و نیازهای جامعه ماست. علوم قرآن و حدیث باید استانداردها و الگوهای عمل خویش را با در نظر گرفتن نیازهای این عرصه، دستاوردهای دیگران، تجربه‌های پیشین و چارچوب‌های بومی و دینی، تولید کند و در این زمینه، پیشتاز سایر عرصه‌های علمی کشور باشد.

امروز همه عرصه‌های کشور، نیازمند قرآن و سنت است و خود به این نیاز تا اندازه‌ای توجه دارد. باید قرآن و حدیث را بازپژوهی بلکه بازکاوی کرد و قواعد و گزاره‌های نوینی از آن استخراج نمود. بسیاری از قواعد در بین انبوه مواد قرآنی و حدیثی وجود دارد که نگاه کارشناسانه و نیازمحور، می‌تواند آن را شناسایی کرده و بر پایه آن، قاعده را تولید نماید.

امروز دانش‌های مضاف قرآنی و حدیثی، نیاز ماست. در این راستا نه می‌توان چیزی را به دین تحمیل کرد و دین را متکفّل بیان همه قواعد و راهکارهای جزئی زندگی بشر دانست و نه می‌توان چیزی را از دین کم کرد و آن را قطعه‌قطعه نمود و مصداق «جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ»^۸ شد. باید آن چه هست و صادر شده را به درستی شناخت و از آن تفریع کرد و آن چه را که به عقل و عرف و ... واگذار شده و در دایره اباحت یا منطقه الفراغ قرار گرفته در چارچوب‌های خودش تبیین نمود.

بازپژوهی مباحث قرآنی و حدیثی با مبانی و نگاه شیعی، نیاز امروز ماست. بسیاری از مباحث علوم قرآنی و برخی از مباحث علوم حدیثی رایج در میان ما، برگرفته و یا تأثیر گرفته از مباحث مشابه در اهل سنت است. هرچند بحث‌ها و مبانی مشترک ما بسیار است ولی تفاوت در تاریخ حدیث و برخی از مبانی عقیدتی و ... موجب تفاوت در برخی از گزاره‌ها و قواعد می‌شود. در بازپژوهی این علوم، می‌توان مشترکات را از مقترقات شناسایی کرد و علوم قرآنی و حدیثی را با نگاه و فرهنگ شیعی بازنگاری نمود.

رشد دانش قرآن و حدیث، نیازمند فراهم کردن زمینه‌های آزاداندیشی است. بازاندیشی مبانی ثابت در گروه‌های کارشناسی، نه تنها ناپسند نیست؛ بلکه موجب استحکام بنیادها می‌شود. باید عرصه عمومی انتشار افکار و اندیشه‌ها جدای از عرصه انتشار خصوصی و علمی آن باشد. این روش، راه را برای بازاندیشی و بازگویی بدون دغدغه نویافته‌ها یا نواندیشه‌ها باز می‌کند. سپس می‌توان تازه‌های مبتنی بر چارچوب‌های اصیل را طی روندی کارشناسی، پس از فراهم کردن زمینه‌ها و تدبیر درباره آسیب‌های احتمالی، به صورت عمومی منتشر کرد.

نگاشته‌های قرآنی و حدیثی در عرصه‌های مختلف نیازهای بشری باید از حیث محتوا و حجم به اتقانی برسد که نادیده گرفتن آن برای قانون‌نویسان و مجریان، غیر ممکن و زشت باشد. این نگاشته‌ها باید به دست قانون‌گذاران، ناظران و مجریان برسد تا به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر فعالیت آنان اثر گذاشته و پس از گذشت زمانی به فرهنگ رفتاری و گفتاری آنها تبدیل شود. اولویت در این زمینه بر رساندن اندیشه‌ها به اعضای محترم شورای نگهبان، اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز پژوهش‌های مجلس و شورای عالی حوزه است.

نیاز دیگر این عرصه برای رشد انقلابی، معنویت و تهذیب است. احیای سنت حسنه درس اخلاق، تأکید بر نماز اول وقت و با حضور قلب، تأکید بر انس با قرآن کریم، تأکید بر رعایت حقوق پدر و مادر و استاد، مهم‌ترین پنجره‌های رشد کارشناسان قرآنی و حدیثی است. هنگامی که در فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام آدابی چون نماز شب، غسل جمعه و نوافل از نشانه‌های مهم شیعه شمرده می‌شود، نباید توقع داشت که کسی مدعی کارشناسی در قرآن و حدیث باشد و به این امور پایبند نباشد و بتواند رشد کند و رشد دهد.

استادان نقش برجسته‌ای در تربیت شاگردان دارند. اگر فضای عمومی شاگردان عرصه‌های قرآنی و حدیثی در سطح مورد انتظار نیست، باید نگاهی به فضای استادان این عرصه کرد و کار را از تربیت استادان آینده آغاز نمود.

اسراف و تبذیر امکانات، فرصت‌ها و نیروها بسیار ناپسند است. کارهای تکراری بدون ویژگی نسبت به کار پیشین، بی‌خبری از کارهای دیگران، وقت‌گذشتن برای امور پیش از اولویت‌سنجی، همه به تبذیر و گاهی اسراف، منتهی می‌شود. این رویدادهای ناپسند، ناشی از نبودن مرکزی برای رصد امور قرآنی و حدیثی کشور و انتشار شفاف گزارش‌های پیاپی این رصد است. اگر چنین مرکزی ایجاد شود، می‌تواند مرجعی بین‌المللی برای گزارش‌های قرآنی و حدیثی بوده و بدون اینکه وارد عرصه مدیریت و کنترل اجرایی گردد، خودبه‌خود، جهت‌دهی این گستره را به عهده گیرد.

در سوی دیگر، کتابخانه‌های بزرگ، کتابخانه‌های دیجیتال، نرم‌افزارهای نسبتاً کارآمد، فضای ساختمانی بسیار گسترده و مجهز، بخشی از امکانات مادی در اختیار فعالیت‌های قرآنی و حدیثی است. استفاده‌نشدن از این همه امکانات، ضعفی بزرگ بوده که نیازمند اراده‌ای بزرگ برای رفع آن است.

تأسیس‌های قرآنی و حدیثی، نیازمند بازنگری در سیاست‌ها و زمینه‌هاست. اگر در استان یا شهرستانی، زمینه تربیت قاریان بزرگ وجود دارد، به این معنا نیست که الزاماً زمینه تأسیس رشته علوم قرآن و حدیث هم باشد. گسترش رشته‌ها در مناطقی که اساتید مورد نیاز را ندارند، تنها موجب ابتدال رشته شده و توقعی نادرست و سپس سرخوردگی را ایجاد خواهد کرد. نباید نفوذها و سفارش‌ها بر تأسیس‌ها اثرگذار باشد بلکه باید واقعیت‌ها، تعیین‌کننده شود.

قرآن و حدیث را باید و می‌توان وارد زندگی مردم کرد. برگزاری دوره‌های فراگیر برای اصناف و اقشار و سنین مختلف در موضوعات متنوع و مورد نیاز در سراسر کشور، یکی از راه‌های فراگیر کردن آموزه‌های قرآنی و حدیثی است.

با امید به فضل الهی، گام دوم انقلاب اسلامی، گام دوم پیشرفت دانش‌های قرآنی و حدیثی خواهد بود و اگر همّت کارشناسان متعهد این عرصه، فزونی یابد، می‌توان انقلابی در رشد این دانش‌ها ایجاد کرد.

خداوند بلندمرتبه را بر نعمت انقلاب اسلامی و رهبری معظم آن شکر می‌کنیم و خدمت به آستان قرآن و حدیث را افتخاری بزرگ می‌دانیم.